## جلسه 98-956

**چهار‌شنبه - 12/02/1403**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم ‌اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی الله علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

## مسأله 11: اذا سمعها أو قرأها فی حال السجود

مسأله 11: اذا سمعها أو قرأها فی حال السجود یجب رفع الرأس منه ثم الوضع و لا یکفی البقاء بقصده‌ای بقصد سجود التلاوة بل و لا الجر الی مکان آخر. اگر کسی در حال سجده شکر مثلا بود، آیه سجده را خواندند و او استماع کرد یا خودش آیه سجده را خواند، این‌که نیت کند ادامه این سجده، سجده تلاوت باشد کافی نیست چون باید احداث بشود سجود بعد از قرائت یا استماع آیه سجده، اذا سمعها فلیسجد این ظاهر است در امر به احداث سجود.

این بنا بر مبنای کسانی که ظاهر امر به یک فعل را احداث فعل می‌‌دانند روشن است، اما کسانی مثل آقای زنجانی که معتقدند ظهور امر در احداث نیست و لذا در بحث غسل می‌‌گویند لازم نیست که بعد از شستن سر و گردن برای شستن طرف راست و چپ بیرون از دوش بیاید، ادامه شستنش به نیت شستن طرف راست و چپ باشد، یا این‌هایی که داخل استخر می‌‌خواهند غسل کنند، مثل آقای خوئی آقای سیستانی آقای تبریزی این‌ها حداقل احتیاط واجب می‌‌کنند که برای این‌که این‌که غسل ترتیبی بکند طرف راستش یا چپش را بشوید باید بیاید بیرون استخر دومرتبه به نیت غسل برود در استخر، داخل استخر حرکت کند به نیت شستن طرف راست یا چپ کافی نیست ولی آقای زنجانی می‌‌گویند چرا کافی نیست؟

اما اینجا هم آقای خوئی و آقای سیستانی و آقای تبریزی احتیاط نکردند فتوا دادند و هم این‌که آن‌هایی هم که احداث را در غسل لازم نمی‌دانند اینجا حاشیه نزدند، فقط مرحوم حاج شیخ علی جواهری ایشان حاشیه زده که الکفایة غیر بعیدة. انصاف این است که ما در غسل ممکن است مناسبات عرفیه را اعمال کنیم بگوییم احداث لازم نیست، عرف مهم برایش شستن است نه احداث شستن، اما برای ایجاد افعال دیگر که افعال تعبدی هم هست ما نیاز به احداث داریم، اذا قرأت آیة السجد فاسجد ظاهرش یعنی احداث سجود بکن. و لذا اگر بگویند اسجد مرتین هیچ‌کس نمی‌گوید استمرار سجود به نیت تکرار می‌‌شود سجود مرتین. در شستن هم همین را می‌‌گویند، حالا به ذهنم می‌‌آید شهید اول یا علامه است در غسل مرتین گفته ملاکش در استمرار غسل هست، شما دستت متنجس به بول است با آفتابه آب بگیری قطع کنی یک بار دیگر آب بگیری می‌‌شود غسل مرتین حالا اگر قطع نکنی همان آب آفتابه را ادامه بدهی به اندازه غسل مرتین این در طهارت این دستت مؤثرتر است ولی آنجا هم نوعا نپذیرفتند گفتند ما امر شدیم به غسل مرتین، ‌صبّ علیه الماء مرتین، صدق نمی‌کند آفتابه را بگیرم به اندازه دو دقیقه بگویند غسلتُ یدی مرتین، صدق نمی‌کند، ‌ما چه می‌‌دانیم، قانون است باید رعایت کنیم. این‌ها نشان می‌‌دهد احداث دخالت دارد و لذا اینجا هم احداث را لازم می‌‌دانیم.

جر الرأس هم احداث نیست، پیشانی‌اش را یا کل بدنش را بکشاند از یک سمت اتاق به سمت دیگر بگوید احداث سجود کردم بر این مکان جدید، نه، شما باید احداث سجود بکنی، احداث سجود بر مکان جدید کار نداریم شما احداث سجود نکردی بعد از شنیدن آیه سجده.

[سؤال: ... جواب:] قانون است دیگر، ‌قانون این است که دو بار باید شسته بشود. ... اصل این‌که دو بار شسته بشود مگر عرفی است؟ عرف که دو بار شستن لازم نمی‌داند یک بار بشوی خوب بشوی، این‌که دو بار بشوی تعبد است. ... ممکن است عین در بدن اصلا نباشد، عین بول هم که معمولا خشک می‌‌شود، ‌صب علیه الماء. ... شما قبول دارید که صدق نمی‌کند غسل مرتین، صب الماء مرتین، می‌‌فرمایید ملاک را می‌‌فهمیم، ما ملاک تام را نمی‌فهمیم، چه می‌‌دانیم ملاک تام چیست. شارع در کیفیت تطهیر دخالت کرده، ‌انای متنجس به خمر باید سه بار شسته شود و لو با آب کر، حکم شارع است با این‌که عرف می‌‌گوید چه فرق می‌‌کند انای متنجس به خمر باشد یا انای متنجس به دم باشد با آب کر مشهور می‌‌گویند و درست هم هست که یک بار شستن کافی است ولی در خمر دلیل داریم اغسله ثلاث مرات، ملتزم می‌‌شویم. ... بله احتمال می‌‌دهد شارع دخالت کرده و لو از باب حکمت آمده گفته تضمینش بیشتر است وقتی دو بار می‌‌شویی بیشتر تطهیر کنی اما این حکمت است نه علت که حکم دائر مدار علت بخواهد باشد.

## مسأله 12: کفایت تقارن نیت سجود تلاوت با وضع جبهه

مسأله 12: الظاهر عدم وجوب نیته حال الجلوس او القیام یکون الهوی الیه بنیته بل یکفی نیته قبل وضع الجبهة‌ بل مقارنا له.

چون سجود غیر از رکوع است، رکوع بعضی‌ها گفتند هوی الی الرکوع رکوع است یعنی آن انحنا و خم شدن ولی هیچ‌کس خم شدن به سمت سجده را سجده نمی‌داند، سجده همان وضع الجبهة علی الارض است و لذا مقارن با وضع الجبهة علی الارض نیت سجود تلاوت داشته باشد کافی است قبلش لازم نیست نیت داشته باشد. منتها برخی از بزرگان حاشیه زدند درست هم هست، ‌هم مرحوم آقای بروجردی حاشیه زدن لا تکفی المقارنة بل لابد من تقدمها علیه، هم مرحوم نائینی حاشیه زده لا تکفی المقارنة علی الاقوی، هم مرحوم آسید عبدالهادی شیرازی حاشیه زده بحیث ینشأ الوضع عن نیة، شبیه حاشیه آقای سیستانی است، ‌مقصود از مقارنت باید همین باشد که این فعل ناشی باشد از قصد سجود. چون باید ناشی باشد از قصد سجود یک نوع تقدم رتبی دارد قصد سجود بر این وضع آن وقت عادتا هم تقدم زمانی و لو آنامّا باید داشته باشد و الا آدم احراز نمی‌کند که این وضع الجبهة علی الارضش ناشی بوده از قصد سجود تلاوت. و لذا این‌که صاحب عروه می‌‌گوید مقارنت کافی است تقارن زمانی به‌دقت عقلی کافی است ولی چون شرط است نشوء این وضع الجبهة علی الارض از قصد سجود تلاوت پس تاخر رتبی دارد از قصد سجود، تاخر رتبی که دارد از قصد سجود تا تاخر زمانی و لو آنامّا نداشته باشد انسان احراز نمی‌کند که این سجودش ناشی است از قصد سجود تلاوت، به قول آقای خوئی می‌‌شود مقدمه علمیه و اگر این نشود شک می‌‌کند در تحقق امتثال و قاعده اشتغال جاری است. ولی مقارن با هوی لازم نیست نیت داشته باشد چون او که جزء سجود نیست.

[سؤال: ... جواب:] رفع الجبهة بکند. ... هوی ما قبل وضع جزء سجده نیست اما آن هوی نهایی که اسمش وضع الجبهة هست که او جزء سجود است. آن هوی از جلوس یا از قیام تا یک لحظه قبل از وضع الجبهة علی الارض او جزء سجود نیست اما آن لحظه وضع الجبهة علی الارض حداث سجود است آن موقع باید نیت داشته باشد هنگام احداث سجود. کما این‌که ممکن است خم بشود یک چیزی را از روی زمین بردارد حالا که خم شد یکی آیه سجده را خواند، لازم نیست برگردد بنشیند دومرتبه برود به سجده، فاصله او با مهر یک سانت است پیشانی‌اش را می‌‌گذارد روی مهر و الان سجده کرده.

[سؤال: ... جواب:] سجده قوامش به وضع الجبهة هست، این‌که پاهایش را دراز کند هیئت سجودش از بین برود ولی وضع الجبهة‌اش تغییر نکند این خالی از اشکال نیست چون قوام سجود به وضع الجبهة علی الارض است و ظاهر عرفی این است که او احداث شود.

## مسأله 13: اعتبار قصد قرآنیت

مسأله 13: الظاهر انه یعتبر فی وجوب السجدة کون القراءة بقصد القرآنیة.

این را قبلا بحث کردیم. اختلاف هست: برخی مثل حاج شیخ عبدالکریم حائری و آقای سیستانی می‌‌گویند قصد قرآنیت لازم نیست، همین که لفظی است که عرفا مختص به قرآن است این صدق می‌‌کند قرأ القرآن و لو قصد قرائت قرآن نداشته باشد. تعبیری که آقای سیستانی دارد این است که می‌‌گویند: الظاهر ان المعتبر عرفا فی صدق القراءة اتباع المتکلم سورة معدة من الکلمات المنساقة علی نحو خاص و ترتیب معین و لا یعتبر فیها قصد الحکایة و لا معرفة‌ قولها من القرآن. این کلماتی که متمیز هست به شکل خاص و مشترک، دیگر نیست عرفا و عادتا بین قرآن و غیر قرآن این‌ها را بخواند می‌‌گویند قرأ القرآن و لو قصدش قرائت قرآن نباشد. این یک نظر، نظر دیگر هم که نظر صاحب عروه است بزرگانی مثل آقای خوئی و امام هم موافقند می‌‌گویند تا به قصد قرآنیت نخواند و لو لفظ مختص به قرآن را بخواند عرف نمی‌گوید قرأ القرآن.

این را ما بحث کردیم و گفتیم چون ما شک داریم در این‌که کدامیک از این دو گروه درست می‌‌گویند فی حد نفسه برائت جاری می‌‌کنیم اگر قصد قرائت قرآن نداشته باشیم از وجوب سجود تلاوت و لکن این برائت باید در مقابلش آن قرائت در نماز را بررسی کنیم که آیا در نماز سوره حمد را یا سوره دیگر را بدون قصد قرآنیت بخوانیم اگر شک بکنیم عرفا قصد قرآنیت لازم است یا نه آنجا هم مجرای برائت باشد با هم تعارض می‌‌کنند چون یا فی علم الله قصد قرآنیت لازم است پس در نماز برائت اگر می‌‌خواهیم جاری کنیم که لازم نیست خلاف واقع است اگر قصد قرآنیت لازم نیست پس در این آیه سجده که قصد قرآنیت نداشتیم برائت جاری کردیم از وجوب سجود تلاوت خلاف واقع است. و لذا مقتضای احتیاط این است که ما عمل به احتیاط کنیم. بله اگر ما به‌خاطر این‌که در نماز شک در امتثال داریم نمی‌دانیم عرفا امر به قرائت سوره حمد محقق شده با این قرائت بدون قصد قرآنیت گفتیم مجرای قاعده اشتغال است اینجا برائت ندارد، برائت در مانحن‌فیه جاری می‌‌شود بلامعارض. و لذا ما فعلا احتیاط می‌‌کنیم چون مبتنی می‌‌شود بر بحث جریان برائت از شرطیت قصد قرائت قرآن در نماز. ما این را بحث کردیم که آیا مجرای قاعده اشتغال است کما لعله المشهور یا مجرای برائت است چون شبهه مفهومیه است شک در تکلیف زاید است مجرای برائت است این را ما قبلا بحث کردیم و تمایل داشتیم به این‌که قاعده اشتغال جاری است ولی چون مطلب واضح نیست ما احتیاط می‌‌کنیم، قضائا لحق العلم الاجمالی.

[سؤال: ... جواب:] ما را بدون آمادگی دارید می‌‌اندازید در استخر ده متری. یعنی شما مؤید این هستید که ما باید در نماز قاعده اشتغال جاری کنیم، تقریب فرمایش شما که عرض ما را دارید توضیح می‌‌فرمایید این است که ما گفتیم شارع گفته اقرأ سورة الحمد و شبهه مفهومیه در اینجا چون نسبت مولا و عبد به او علی حد سواء است یعنی مثل این‌که من به شما بگویم سوره حمد بخوان، ‌به من بگویند قصد قرآنیت لازم است یا نه شما از من بپرسی می‌‌گویم من فکرش را نکردم با این‌که من خودم به شما گفتیم قرآن بخوان سوره حمد بخوان اما فکر این را نکردم که قصد قرآنیت لازم است یا نه، مولای شرعی هم بما هو مولای عرفی مثل ما می‌‌ماند بما هو عالم الغیب کار نداریم و لذا او می‌‌گوید کاری بکن که عرف بگوید قرائت سوره حمد باشد و لذا عملا می‌‌شود شبهه مصداقیه اتیان به واجب چون مولا واجبش مشخص شد، ‌ائت بما هو قراءة سورة‌ الحمد عرفا ما نمی‌دانیم این تلفظ به الفاظ سوره حمد بدون قصد قرآنیت مصداق قرائت عرفیه سوره حمد هست یا نیست ما همین تقریب را داشتیم برای این‌که قاعده اشتغال جاری بشود. حالا می‌‌خواهید دیگر بحث را ادامه ندهم چون مربوط به بحث قرائت سوره حمد در نماز می‌‌شود. ما اینجا فی حد نفسه شک داریم مجرای برائت است، اگر آنجا قاعده اشتغال جاری کردیم علم اجمالی منحل است و تمایل ما داشتیم قاعده اشتغال جاری کنیم اما ادامه بحث در جای خودش، شاید اگر مناسبتی شد باز من بحث مفصلی درباره همان قرائت سوره حمد و امثال آن در نماز به یک مناسبتی بحث را تکرار کنم.

مرحوم آل‌یاسین این فقیه بزرگ شیخ محمدرضا آل‌یاسی دایی مرحوم آسید باقر صدر، خودش یکی از فقهای بزرگ بود و بسیار باتقوی بود، روز چهارشنبه است یاد این بزرگان می‌‌کنیم، وجوهات که می‌‌آوردند برای ایشان به شاگردانش نمی‌داد، می‌‌فرستاد برای آقای خوئی می‌‌گفت شاگردان تو طلبه‌های درس‌خوانی هستند تو بده به شاگردانت، خودش به شاگردانش نمی‌داد با این‌که اگر به شاگردانش می‌‌داد جمعیت درسش قطعا بیشتر می‌‌شد. اینقدر این‌ها با تقوی بودند. مرحوم آشیخ محمدرضا آل‌یاسین که فقیه بزرگی هم هست علاوه بر تقوایی که زبان‌زد عام و خاص هست، ایشان فرموده من قصد خلاف مضر را می‌‌دانم اما قصد وفاق را شرط نمی‌دانم. قصد قرآنیت نکنی فدای سرت نکن، اما قصد خلاف بکنی عرفا دیگر صدق نمی‌کند قرائت قرآن. یعنی یک وقت همین‌جوری این جمله را می‌‌خوانی توجه نداری به این‌که این قرآن است یا خواب هستی، خواب که قصد خلاف ندارد، می‌‌شود قرأ القرآن. اما یک وقت قصد خلاف می‌‌کنی مثل آن مثالی که می‌‌زدیم به دیگری می‌‌گوید کلا لا تطعه گوش به حرف این نده که بیایی پس‌گردنی به من بزنی، کلا لا تطعه، بعدش هم فرض کنید برای این‌که بیشتر نصیحتش کند بعدش هم می‌‌گوید و سجده بکن و به خدا نزدیک بشو از این کارهای بد انجام نده، قصد خلاف کرده دیگر اینجا، اینجا ایشان می‌‌گوید این عرفا قرائت آیه آخر سوره علق نیست.

ولی ظاهرا فرقی نکند، اگر قصد قرآنیت لازم است پس قصد وفاق باید بکند، اگر فرمایش آقای حائری و آقای سیستانی درست است که قصد قرآنیت لازم نیست قصد خلاف هم مضر نیست عرفا.

در ادامه صاحب عروه می‌‌گوید فلو تکلم شخص بالآیة لا بقصد القرآنیة لا یجب السجود بسماعه بل و کذا لو سمعها ممن قرأها حال النوم. شخصی خواب است قرآن دارد می‌‌خواند، این قصد قرآنیت ندارد، بعضی‌ها را بیهوش که می‌‌کنند بهوش که می‌‌آیند افراد مختلف هستند، آن‌هایی که مأنوس با قرآن هستند قرآن می‌‌خوانند مأنوس با دعا هستند دعا می‌‌خوانند مأنوس به فحش هستند فحش می‌‌دهند این گفته می‌‌شود قصد قرآنیت ندارد. أو سمعها من صبی غیر ممیز بل و کذا لو سمعها من صندوق حبس الصوت، نه رادیو مستقیم، او را همه قبول دارند که سجود تلاوت می‌‌آورد، رادیو غیر مستقیم که از ضبط صوت پخش می‌‌کند و ان کان الاحوط السجود فی الجمیع، اینجا آقای حکیم آقای خوانساری آقای گلپایگانی آقای نائینی آقای حائری آقای بروجردی همه این‌ها گفتند لا یترک این احتیاط ترک نشود، ‌آقای زنجانی هم که فتوا داد گفت از ضبط صوت هم آیه سجده را شنیدی و لو قاریش پنجاه سال پیش فوت کرده هر بار که این ضبط صوت آیه سجده را برایت بخواند باید بروی سجده چون عرفا صدق می‌‌کند سمع یا استمع.

انصافا باید فرق بگذاریم. ضبط صوت مشکلش این نیست که این آقا قصد قرآنیت ندارد، اصلا عرفا اصلا قرائتی رخ نمی‌دهد، مشکل این است و الا قاری در زمان خودش قصد قرآنیت داشت و لذا آقای سیستانی گفتند من قصد قرآنیت را لازم نمی‌دانم اما دیگر از صندوق ضبط صوت قرآن پخش بشود این را می‌‌گویم سجده تلاوت ندارد.

[سؤال: ... جواب:] ظاهرش این است که استمع یعنی استمع الی القراءة. در صحیحه ابن‌سنان بود که قرئ، ‌خوانده شد، بعد فرمود لا یسجد الا ان یکون منصتا مستمعا الیها. حالا بعضی اطلاقاتی بود که سمع السجدة فلیسجد سمعت السجدة فلتسجد آن هم انصراف دارد سماع قرائت آیه سجده، ‌سماع قرائت آیه سجده نشد چون الان قرائت نمی‌شود. این دارد صدای ضبط صوت را می‌‌شنود نه صدای این قاری را پنجاه سال پیش، ‌فرق می‌‌کند با بلندگو فرق می‌‌کند با پخش مستقیم. شک هم بکنیم مجرای برائت است.

اما سماع از نائم، به نظر ما بعید است عرف نگوید سمع قراءة النائم، اصلا نائم دارد می‌‌خواند چون نیت اجمالیه در خواب دارد، بیدار هم که بشود می‌‌گوید در خواب قرآن خواندم، الان هم می‌‌گویند اینقدر مأنوس است با قرآن‌ که در خواب هم قرآن می‌‌خواند، قصد تفصیلی اختیاری ندارد و الا قصد اجمالی غیر اختیاری دارد به‌خاطر انسش، مثل کسی که عصبانی می‌‌شود همین‌جوری روی عصبانیت آیه سجده می‌‌خواند ممکن است قصد تفصیلی هم نداشته باشد اما قصد اجمالی دارد یعنی ملتفت است به این‌که این آیه سجده است اجمالا، ‌نائم هم حتی آن مغمی‌علیه که دارد بهوش می‌‌آید درست است لا عن اختیار است قرائت قرآنش اما یک قصد ارتکازی دارد که قرائت قرآن می‌‌کند، از ضمیر ناخداگاهش ناشی می‌‌شود، صدق می‌‌کند قرأ، قرأ القرآن فی حال نومه.

[سؤال: ... جواب:] در معاملات اختیار شرط است چه ربطی دارد به اینجا که صدق عرفی بکند قرأ القرآن باید سجده کنیم.

و لذا امام هم در تحریر می‌‌گویند احتیاط مستحب سجده تلاوت است در این فرض‌ها خصوصا فی مورد النائم، این خصوصا را که گفتند به‌خاطر همین است که نائم وضعش بهتر از بقیه افراد است و لذا ما در همه این‌ها احتیاط می‌‌کنیم، امام احتیاط مستحب کرد ما می‌‌گوییم احتیاط واجب در همه این موارد به‌خاطر آن مشکل علم اجمالی، خصوصا فی النائم که در نائم اصلا ما در ذهن‌مان این است که قرائت صدق می‌‌کند استماع الی القراءة صدق می‌‌کند.

[سؤال: ... جواب:] نماز عبادت است، عبادت باید عن قصد و اختیار صادر بشود، اینجا موضوع است، اذا قرئت آیة السجدة فاستمع الیها فاسجد، عرف می‌‌گوید قرئت آیة السجدة در حال نوم این آقا آیه سجده را خواند. ... او دلیل ندارد از باب قرائت است انصراف دارد، بر خود قاری وجوب سجود تلاوت انصراف دارد به قاری ملتفت، ‌بحث سماع است. این مثل این می‌‌ماند که اگر به آن دوست‌تان‌ که ده سال پیش قرآن خوانده ضبط شده زنگ بزنی به او بگویی الان ضبط صوت روشن کردم صدای تو که ده سال پیش قرائت قرآن کردی باید سجده کند؟ می‌‌گوید ده سال پیش خواندم الان هم که نشنیدم بر فرض شما واجب باشد بنا بر این‌که ضبط صوت پخش کند بر شما واجب است چه ربط به آن قاری دارد، ‌هر کسی یک حکمی دارد. قاری در حال نوم استماع که نکرده، این قرائت انصراف دارد از ادله وجوب سجود تلاوت بر قاری، اما استماع این قرائت در حال نوم چه انصرافی دارد از این مورد؟

## مسأله 14:‌ یعتبر فی السماع تمییز الحروف و الکلمات

مسأله 14:‌ یعتبر فی السماع تمییز الحروف و الکلمات. باید کسی که آیه سجده را می‌‌شنود بگویند سمع آیة السجدة، ‌همهمه شنیدن سماع آیه سجده نیست چون تمییز بین حروف داده نمی‌شود. فمع سماع الهمهمة لا یجب السجود و ان کان الاحوط، ‌خدا رحمت کند بعضی از بزرگان نوشتند الاحتیاط ضعیف، همه جا که لازم نیست آدم احتیاط بکند، ‌چه احتیاطی.

## مسأله 15: لا یجب السجود لقراءة ترجمتها او سماعها

مسأله 15: لا یجب السجود لقراءة ترجمتها او سماعها، ‌ترجمه آیه سجده را می‌‌شنود یا قرائت می‌‌کند ترجمه آیه سجده را، این قرأ آیة السجدة نیست سمع الی آیة‌ السجدة نیست و لذا سجده تلاوت واجب نیست.

این هم روشن است.

## مسأله 16: عدم اشتراط نیت در سجده تلاوت

مسأله 16: یعتبر فی هذا السجود بعد تحقق مسماه مضافا الی النیة اباحة المکان و عدم علو المسجد بما یزید علی اربعة اصابع و الاحوط وضع سائر المساجد و وضع الجبهة علی ما یصح السجود علیه.

گفتند در سجود تلاوت نیت شرط است، فتوا دادند، ما می‌‌خواهیم اینجا یک حرف جدیدی بزنیم، شما بگویید درست نیست، ما بدمان نمی‌آید، عنوان قصدی بودن سجود تلاوت مسلم است، حالا اینی که می‌‌گویم مسلم است دقت کنید، عنوان قصدی سجود مسلم است، همین‌جوری پیشانی‌اش را بگذارد به مهر نه به نیت سجود به نیت خاراندن پیشانی نمی‌گویند سجد اما این‌که باید حتما قصد سجود تلاوت بکند یا نه، بعد از این‌که آیه سجده را خواندند و این شنید اصلا نمی‌داند سجده تلاوت اگر شنیده بشود سجده واجب است، ‌اصلا همین‌جوری بعد از نماز سجده می‌‌رود، عادتش است بعد از نماز سجده می‌‌رود این هم سجده رفت، ‌چرا صدق نکند من استمع الی آیة العزیمة فلیسجد؟ هذا سجد دیگر. کی می‌‌گوید خصوصیت سجود تلاوت عنوان قصدی است؟

[سؤال: ... جواب:] قصدش سجده شکر است بالاخره این مصداق سجود است. خدا از شما می‌‌خواهد بعد از آیه عزیمت فورا سجده کنی، ‌سجده هم کردی، مگر نوشته فلیسجد سجدة التلاوة؟ گفته فلیسجد، این هم سجود کرد. ... عنوان سجود را قصد باید بکند، خصوصیت سجده تلاوت قصد بشود دلیلش چیست؟ جاهایی است عنوان قصدی است دلیل داریم، نماز ظهر عنوان قصدی است، ‌نماز عصر عنوان قصدی است حالا آن هم آقای زنجانی گفتند عنوان قصدی نیست قصد خلاف مضر است در نماز ظهر و عصر، ‌حال کار نداریم اما مشهور می‌‌گویند ما هم قبول دارند نماز ظهر و عصر عنوان قصدی هستند هم صلاتیت هم ظهریت و عصریت، آنجا دلیل داریم از روایات استفاده کردیم اما همه‌جا که این‌طور نیست. مثلا نماز قصر و تمام، ‌قصر و تمام عنوان قصدی است؟‌ نه، ‌شما نماز قصر نیت خواندی بعد نماز تمام خواندی در اماکن اربعه یا نیت اقامه عشرة ایام کردی، ‌قصر و تمام دلیل نداریم عنوان قصدی است. حجة‌ الاسلام و حج مستحب به نظر ما دلیل نداریم عنوان قصدی است، نیت حج مستحب کردی بعد معلوم شد مستطیع بودی حجة الاسلام می‌‌شود خودبه‌خود، ‌البته مخالف دارد این مسأله همان‌طور که آقای خوئی بعضی جاها دارند آقای سیستانی همه‌جا دارند، ‌حجة الاسلام عنوان قصدی نیست حج صادر از بالغ مستطیع حجة الاسلام است. دلیل می‌‌خواهد عنوان قصدی بودن، ‌عنوان سجده تلاوت کی می‌‌گوید عنوان قصدی است. هر سجده‌ای که عقیب امر به سجده هنگام قرائت یا استماع آیه سجده باشد می‌‌شود سجده تلاوت. فوقش بگویید قصد خلاف مضر است، اما قصد وفاق به چه دلیل شرط است. و لذا این قصد عنوان سجود تلاوت مبنی بر احتیاط است.

## عدم اشتراط قصد قربت

این یک مطلب. مطلب دیگر هم بگوییم، قصد قربت گفتند معتبر است او هم دلیلش چیست؟ من ریائا سجده تلاوت کردم به چه دلیل باطل است؟ آقای خوئی فرموده ارتکاز. کدام ارتکاز؟ اجزای نماز، شرایط نماز مثل وضو و غسل، این شرایط را می‌‌گویم، ‌این‌ها را می‌‌گویید عنوان تعبدی است، ‌عبادت است، سجود عبادت ذاتیه است نه عبادت به معنای مصطلح. خدا رحمت کند امام در اول تعبدی و توصلی یک مطلبی دارد می‌‌گوید اصلا چرا می‌‌گویید التعبدی و التوصلی بگویید التقربی و التوصلی. آنی که قصد قربت در او معتبر است تقربی است و الا تعبدی یعنی عبادت، ‌عبادت ممکن است اصلا در او قصد قربت معتبر نباشد چون بعضی‌ها عبادت ذاتیه هستند. صاحب کفایه هم دارد می‌‌گوید سجود عبادت ذاتیه است، اصلا سجود یعنی پرستش، شما سجده برای خدا می‌‌کنی یعنی پرستش خدا، ‌پرستش خدا می‌‌کنی به داعی ریا، پرستش خدا می‌‌کنی به داعی نفسانی، بیش از ما دلیل نداریم که قصد کند سجود لله را، اما داعی‌اش برای اتیان سجود لله قصد قربت باشد الی الله این دلیلی ندارد. دلیل لفظی که ندارد دلیل لبی‌اش هم می‌‌گویید ارتکاز، ما که همچون ارتکازی را در سجود تلاوت نمی‌بینیم. آخه یک چیزهایی بین مردم پخش می‌‌شود، جهاد واجب تعبدی است، بعد می‌‌رویم می‌‌بینیم دلیل نداریم، ‌کسی برود به جهاد نه‌بخاطر خدا، ‌به‌خاطر عرق وطن، امتثال امر خدا کرده، حالا خدا به او ثواب می‌‌دهد یا نمی‌دهد بحث دیگری است، اصلا به هر هدفی رفت جهاد امتثال امر خدا کرد. امر به معروف واجب توصلی است. واجب تعبدی دلیل می‌‌خواهد کی گفته سجود تلاوت واجب تعبدی است و بدون قصد قربت امر به سجود تلاوت ساقط نمی‌شود؟ دلیلش چیست؟ دلیل ندارد.

[سؤال: ... جواب:] ببخشید یک آیه پیدا کردی آخر سوره علق، و اقترب او چه ربطی دارد که بگوید قصد قربت معتبر است. پس بگو کلا لا تطعه هم مقوم سجود است!!‌ ربطی ندارد، کلا لا تطعه آخرش هم و اقترب، ‌مواظب باش وسطش را نخوانی!!

[سؤال: ... جواب:] مثلا تکفین میت توصلی است، دفن میت توصلی است، مشهور می‌‌گویند غسل میت تعبدی است تازه به قول شما آنجا هم آقای خوئی شبهه مطرح کرده که به چه دلیل غسل میت [تعبدی است؟] ... من جازم نیستم انصافا که یک ارتکاز قوی متشرعی است که اگر سجده تلاوت بروی داعی‌ات قصد قربت نباشد امر مولا را به سجود امتثال نکردی. ریائا سجده کند یا ریا نیست دید همه سجده می‌‌روند این نمی‌خواهد سجده برود دید همه سجده می‌‌روند گفت خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو این هم با آن‌ها رفت سجده، لله نیست، به‌خاطر رسوا نشدن هست. ... سجود لله می‌‌کند، مشرک که نیست، سجود لله می‌‌کند، عقیده‌اش از شما هم بهتر است!! منتها در مقام عمل التزام عملی ندارد و الا عقیده‌اش که کاملا درست است، به‌خاطر رودربایستی رفت سجده، ریا هم نیست، این‌که ریا نیست ریا این است که این کار را بکند بگویند این هم آدم خوبی است این هم اهل اطاعت است اهل معصیت نیست، نه، اصلا دنبال این حرف‌ها نیست، آدم کم‌رویی است، می‌‌گوید حالا من اگر نروم سجده این فیلم‌برداری می‌‌کنند کاملا من را نشان می‌‌دهد برجسته می‌‌شوم، رویم نمی‌شود، با همه می‌‌رود سجده‌ و قصد سجود می‌‌کند، چه اشکال دارد، سَجَد دیگر، من همچون ارتکازی را کشف نمی‌کنم. حالا نمی‌خواهم اینجا نظر به عنوان ما که اهل فتوا نیستیم، نمی‌خواهیم بگوییم باید فتوا داد، ولی فوقش احتیاط واجب باید کرد این موارد را.

[سؤال: ... جواب:] سجود عبادت ذاتیه است، ‌سجود پرستش خداست، قائل داریم که سجود پرستش خدا و عبادت ذاتیه نیست؟ عبادت ذاتیه یعنی همین، یعنی بدون قصد قربت هم سجود کنی برای خدا پرستش خداست منتها داعی تو بر این پرستش خدا کم‌رویی است، ‌ریا است و امثال آن، عبادت ذاتیه یعنی پرستش خدا، آیا منکرید که سجود لله پرستش خداست؟ عبادت ذاتیه یعنی این دیگر، ‌پرستش خدا حالا به هر انگیزه‌ای باشد، عبادت ذاتیه بودنش را که نمی‌شود انکار کرد و لو بدون قصد قربت.

این راجع به شرط نیت که هم به عنوان قصد عنوان هم به عنوان قصد قربت در هر دو بحث کردیم، اما بقیه شرایط را ان‌شاءالله روز یک‌شنبه دنبال می‌‌کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.